



The Model for Correcting Beliefs Based on the Holy Quran*

Hossein Karamadi^۱ and Qasim Mohammadi^۲

Abstract



Correcting false beliefs is one of the most important goals of the Holy Quran. This celestial book presents a distinct and well-defined model for correcting such beliefs. Accordingly, this research employs an analytical-descriptive approach to present a model for correcting beliefs based on the Holy Quran. The findings of the research indicate that the Quran, which has been revealed for the guidance and rectification of humanity, offers a model through which beliefs can be gradually and logically changed and improved. This model encompasses fundamental structures such as attention to internal capacities, explanation, factors, grounds, and the process of belief correction, each containing various components. First, by considering innate tendencies towards seeking truth, immortality, and inclinations towards worship, human inner capacities are activated. Subsequently, utilizing various methods of argumentation, concretization, education, and exploring horizons and egos, the groundwork for conscious action in humans can be established and elaborated upon. In this context, factors and aspects such as blind obedience, identity crisis, skepticism, attachment to worldly desires, and negative companions are reminded of humanity. Furthermore, since the creation or correction of beliefs takes place over time, the aforementioned aspects must be implemented through a process. In this model, the following steps are used in sequence: utilizing prevalent communication means in each era, creating new symbols and communication institutions, setting examples, employing logic and argumentation, sending preachers, combating superstitions, and engaging in psychological warfare.

Keywords: The Holy Quran, Belief, Belief Correction, Components of Belief Correction, Belief Correction Process, Model for Belief Correction.

*. Date of Receiving: ۲۰۲۲/۰۱/۱۱, Date of Approving: ۰۹/۰۶/۲۰۲۲.

۱. Assistant Professor in the Department of Educational Sciences at the Higher Education Complex of Humanities Affiliated with Al-Mustafa International University [Corresponding Author]: (hkaramadbi@gmail.com).

۲. Ph.D. Candidate in Educational Sciences at the Higher Education Complex of Humanities affiliated with Al-Mustafa International University: (ghasemmohammadi۵۴۰@gmail.com).



الگوی اصلاح باورها بر محور قرآن کریم*

حسین کارآمد^۱ و قاسم محمدی^۲



چکیده

اصلاح باورهای نادرست یکی از مهم‌ترین اهداف قرآن کریم است. این کتاب آسمانی برای اصلاح این نوع باورها از الگوی مشخص و متمایزی پیروی می‌کند. بر این اساس، این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و به‌منظور ارائه الگوی اصلاح باورها بر محور قرآن انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که قرآن کریم که برای هدایت و اصلاح بشر نازل شده است، الگویی را ارائه می‌دهد که بر پایه آن می‌توان به‌صورت تدریجی و منطقی دست به تغییر و اصلاح باورها زد. این الگو از ساختار اساسی توجه به ظرفیت‌های درونی، تبیین، عوامل و زمینه‌ها و فرایند اصلاح باورها برخوردار است که هریک از آن‌ها دارای مؤلفه‌های گوناگونی است. نخست، با توجه به گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی و میل به جاودانگی همراه با گرایش به پرستش، ظرفیت‌های درونی انسان زنده می‌گردد. پس از آن، با روش‌های مختلف استدلال، ملموس‌سازی، علم‌آموزی و سیر در آفاق و انفس، می‌توان زمینه عمل آگاهانه را در انسان فراهم ساخت و به تبیین آن پرداخت. در این میان، عوامل و زمینه‌هایی چون پیروی کورکورانه، فقدان هویت، شبهه‌افکنی، حب دنیا و هم‌نشینی بد، به بشر یادآور می‌شود. افزون بر این، با توجه به اینکه ایجاد و یا اصلاح باور در طی زمان رخ می‌دهد، موارد یادشده باید در یک فرایند به اجرا درآید. در این الگو، به ترتیب، وسایل ارتباطی رایج در هر عصر، ابداع نمادها و نهادهای جدید ارتباطی، اسوه‌سازی، استفاده از منطق و استدلال، اعزام مبلغ، مبارزه با خرافات و مبارزه با جنگ‌های روانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، باور، اصلاح باور، مؤلفه‌های اصلاح باور، فرایند اصلاح باور، الگوی اصلاح باور.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعة المصطفی ص قم، ایران؛ [نویسنده مسئول]: (hkaramadbi@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعة المصطفی ص قم، ایران؛ (ghasemmohammadi540@gmail.com).



مقدمه

باور، تفکر و ذهنیتی است که در ضمیر ناخودآگاه نهادینه شده و بر روند زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. موفقیت‌ها و شکست‌های هر فرد و انتخاب‌های وی از طریق باورها شکل می‌گیرد و محدودیت‌هایی نیز در زندگی او پدید می‌آورد. در جهان پیچیده امروزی که آدمی با افکار و اندیشه‌های گوناگونی روبه‌روست، ناگزیر باید به شناسایی باورهای درست و نادرست پرداخت و با تمایز بین آن‌ها، باورهای درست را جایگزین باورهای نادرست کرد. به‌طورکلی، باورها را می‌توان به دو دسته مثبت و سازنده و منفی و مخرب تقسیم کرد.

در سراسر تاریخ، باورهای غلط آمیخته با خرافات و بدفهمی‌ها وجود داشته است. مردمان عصر جاهلیت نیز از این قاعده مستثنا نبودند. آنان در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، گرفتار نارسایی‌هایی در فکر و اندیشه بودند. قرآن کریم برخی از پندارهای نادرست آنان را در مورد توحید، معاد، انسان، زن و اقتصاد بیان می‌کند و از آن به «ظن الجاهلیه» تعبیر کرده است (آل‌عمران/ ۱۵۴). گروهی از مفسران بر این باورند که ظن جاهلیت شامل هر گمان و ظن باطل و باورهای خرافی می‌شود (شعبانپور و بشارتی، راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن، ۱۳۹۲: ۷۱). قرآن کریم که یکی از اهداف اصلی و مهم‌اش اصلاح باورهای غلط و انحرافی است، تأکید می‌ورزد تا انسان درون خود را تغییر ندهد، چیزی در زندگی‌اش تغییر نمی‌کند (رعد/ ۱۱). درون همان باورها است که بر شادی، سلامت، موفقیت و خوشبختی تأثیر می‌گذارد و به بیان دیگر، اصلاح بخش بنیادین فرهنگ باورها و ارزش‌ها منجر به اصلاح لایه‌های دیگر فرهنگ، سنت‌ها، هنرها و نمادها می‌شود (صدر، قرآن و شیوه‌های اصلاح فرهنگ، ۱۳۸۷: ۲۹).

قرآن کریم در راستای تغییر و اصلاح باورهای مردم عصر جاهلیت، از الگویی موفق و مؤثر پیروی کرده است. این الگو دارای مؤلفه‌های گوناگون چون توجه به نگرش‌های موجود، توجه به اهداف منکران باورهای راستین، اشکال انکار، زمینه‌ها و عوامل مؤثر در ایجاد باورهای انحرافی، مراتب و درجات انکار، اهمیت دادن به نیروی عقل و خرد، توجه به فطرت در نهاد بشر، بهره‌گیری از معادله سود و زیان است. برای تحقق این الگو گاهی با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های مخاطب، از برهان و استدلال بهره گرفته است «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء/ ۲۲) سبک استدلال در قرآن با سبک‌های متداول در کتاب‌های دیگر متفاوت است. بیشتر استدلال‌های قرآن به‌صورت پنهان آمده است. از آنجایی که قرآن انسان را دارای فطرت الهی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/ ۳۰) و دارای ویژگی نسیان و غفلت می‌داند، از روش تذکر و یادآوری کمک

گرفته است. این مؤلفه تا اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که وظیفه پیامبر را تذکر دانسته ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ (غایشه/۲۱) و خود را نیز با همین وصف معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (انسان/۲۹) گاهی قرآن با استفاده از تکنیک تبیین، باورهای غلط را مورد تردید قرار می‌دهد. ابراهیم خلیل علیه السلام در گفتگو با ستاره‌پرستان، ماه‌پرستان و خورشیدپرستان از این تکنیک بهره گرفته است ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾ (انعام/۷۵) ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾ (انعام/۷۶) ﴿فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْسَ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ﴾ (انعام/۷۷) ﴿فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۷۸) ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام/۷۹) در مواردی که منشأ شک مخاطب عدم توانایی است، قرآن برای ایجاد یا تغییر باور، قدرت خدا را مورد توجه قرار می‌دهد ﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا﴾ (نازعات/۲۷).

قرآن کریم برای زدودن باورهای انحرافی انسان، تمام تلاش خود را کرده است تا به جای آن‌ها باورهای نورا به او القا کند. این کتاب آسمانی، ضمن بیان این نکته که آدمی تغییر می‌پذیرد و این تغییر و دگرگونی از راه تغییر باورها امکان‌پذیر است، قدم در راه اصلاح باورها برمی‌دارد و چارچوب و الگویی ارائه می‌دهد که بر پایه آن می‌توان به شکل تدریجی و منطقی دست به تغییر باورها زد. در نتیجه، برای اصلاح باورها باید این الگو را شناسایی کرد و آن را به کار بست. بر این اساس، این پژوهش درصدد است تا پس از بحث درباره اصلاح باورها در روان‌شناسی و نیز اهمیت آن در اسلام، این الگوی مهم را بررسی کند و مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های آن را مشخص سازد.

اصلاح باورها در روان‌شناسی

اصلاح باورها در مباحث مختلف روان‌شناسی از جمله در مباحث مربوط به نگرش و تغییر نگرش مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. نگرش‌ها حلقه واسطه بین باورها و رفتارها هستند. به عبارت دیگر، نگرش از اجزای سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل یافته است که جزء شناختی آن را باورها تشکیل می‌دهد. در کنار رویکردهای مختلف برای تغییر یا ایجاد نگرش چون رویکرد زیستی شناختی و رویکرد رفتاری (سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی: نظریه‌ها و روش‌ها، ۱۴۰۲)، رویکرد شناختی نیز مطرح است. پیروان رویکرد شناختی بر شناخت در شکل‌گیری نگرش‌ها تأکید دارند. در این رویکرد به کیفیت استدلال، تفکر و چگونگی پردازش اطلاعات برای تغییر و ایجاد نگرش توجه شده است (کریمی و صفاری‌نیا، روان‌شناسی اجتماعی و تغییر نگرش مصرف‌کنندگان انرژی، ۱۳۸۴: ۲۸).



در این فرآیند، تغییر و اصلاح هنگامی پدید می‌آید که فرد پیام یا اطلاعاتی را دریافت می‌دارد. پس از دریافت پیام، فرد شروع به پردازش آن می‌کند و سپس، سلسله‌مراتب درگیری ذهنی و پاسخ‌های شناختی از جمله اندیشه‌های مطلوب راجع به یک پیام در ادراک آن اثرگذار خواهد بود. هنگامی که تغییر نگرش و رفتار فرد از طریق مرکزی و شناختی اتفاق می‌افتد، اثرات آن نسبتاً پیش‌بینی‌کننده رفتار هستند (همان: ۵۵).

تغییر رفتار → تغییر نگرش و باور → افزایش شناخت → توجه → پیام

بحث از باورها و ضرورت اصلاح آن در شناخت درمانی که زیرمجموعه روان‌شناسی شناختی است، موردتوجه قرار گرفته است. شناخت درمانی دیدگاهی است مبتنی بر اینکه حالت‌های فشارآفرین مانند افسردگی، اضطراب و خشم به علت شیوه‌های تفکر سومندانه یا اغراق‌آمیز است یا دست‌کم بر اثر این تفکر تشدید می‌شود. درمان‌گر شناختی بیماران را درگیر تفکر علمی و منطقی می‌کند و از آنها می‌خواهد پیش‌فرض‌هایی را که منجر به این حالت فشار آفرین شده است را بررسی کنند (لیهی، فنون شناخت درمانی، ۱۴۰۰: ۱۷).

یکی از روان‌شناسان شناختی که درباره باورهای انحرافی انسان و آثار و پیامدهای مخرب آن نظریه ارائه کرد، آلبرت الیس (Albert Ellis) بود. وی معتقد بود که اختلالات عاطفی، نتیجه طرز تفکر غیرمنطقی و غیرعقلانی است. به نظر او افکار و عواطف کنش‌های متفاوت و جداگانه نیستند. بنابراین، باید برای رفع اختلالات روانی و رفتاری به سراغ باورهای غیرمنطقی وی رفت و آن‌ها را اصلاح کرد. وی در این راستا یازده باور غیرمنطقی را برشمرد. او به درمان‌گران پیشنهاد داد تا عقاید و افکار نگرش‌های مراجع خود را موردتردید و سؤال قرار داده و به مبارزه با آنها بپردازند تا اثرات زیان‌بار باورهای غیرمنطقی را کاهش دهند. درمان‌گران شناختی به مراجع نشان می‌دهند که چگونه و چرا به آن حالت فشار روانی مبتلا شده است و نیز رابطه بین باورهای غیرعقلانی را با اختلالات عاطفی و ناراحتی‌های او نشان می‌دهند (شفیع‌آبادی و ناصری، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴۰۱: ۱۲۸).

اساس شناخت‌درمانی الیس و دیگران بر این اصل استوار است که واکنش افراد به امور بر حسب ادراکاتی است که آن‌ها از امور و رویدادها دارند. هدف عمده شناخت درمانی ایجاد تغییر و اصلاح در فرایندهای شناختی افراد است. ازاین‌رو، تغییرات مطلوب در رفتار مراجعان از راه تغییر در الگوهای فکری، باورها و نگرش‌هایشان به‌دست می‌آید. این رویکرد در روان‌شناسی تأکید می‌ورزد که حوادث و رویدادها نیستند که فرد را ناراحت می‌سازند؛ بلکه طرز تفکری که حاصل از باورها، طرحواره‌ها و نگرش‌های اوست که به شیوه پردازش اطلاعات تأثیر گذاشته و سبب بروز هیجانات و واکنش‌های فرد

می شود. افرادی که بر باورهای غیرمنطقی در رابطه با خود و حوادث پافشاری می کنند، همیشه در زندگی شان با مشکلات مواجه اند. الیس نشان می دهد که افراد می توانند طرز شناخت ارزیابی های غیرمنطقی و نامعقول خود را بیاموزند و برای اصلاح آن ها اقدام کنند. به طور کلی، سه نوع فعالیت در این روش وجود دارد: ۱. کشف عقاید و باورهای نامعقول؛ ۲. جدا کردن عقاید معقول و نامعقول؛ ۳. زیر سؤال بردن عقاید نامعقول (حمید و همکاران، اثربخشی گروه درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر رویکرد منطقی - عاطفی الیس بر منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی، ۱۳۹۲: ۱۹۴). همچنین، آرون تمکین بک (Aaron Temkin Beck) از روان شناسان شناختی، در زمینه اختلالات هیجانی نظریه ارائه کرد و بر خطاهای شناختی تأکید کرد. نظریه وی دارای چهار مؤلفه بزرگ است که همه آن مؤلفه ها شناختی هستند. این مؤلفه ها عبارتند از: افکار اتوماتیک (Automatic thoughts)، روان بنه ها (Schema)، خطاهای منطقی (Logical errors) و مثلث شناختی (Cognitive triangle) (فری، شناخت درمان گری گروهی، ۱۳۸۸: ۳۰).

اهمیت اصلاح باورها در اسلام

اسلام با اینکه انسان را به آزادی در اظهار عقیده دعوت می کند، اصلاح باورها و عقاید باطل را لازم می شمارد؛ زیرا باور اساس هر عمل است. از آنجایی که اصلاح عقاید دیگران با زور ممکن نیست، رسیدن به این هدف را تنویر و هدایت افکار به عقاید صحیح می داند (رضوانی، اسلام و پاسخ به شبهات، ۱۳۸۶: ۳۳۰). اسلام بیش از هر چیزی به تصحیح باورها اهتمام ورزیده است. نمی توان مکتبی را سراغ گرفت که بیش از اسلام بر نقش و ارزش باورها تأکید ورزد.

بر اساس منابع دینی، ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و زندگی پس از مرگ مهم ترین باورهای اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی است. به همین خاطر، فرستادگان الهی برای تغییر و اصلاح باورهای غلط آن روز، تمام سعی و تلاش خود را کردند تا این باورهای اساسی را جایگزین باورهای غلط سازند. باورهای دینی از سه بعد معنادهی به زندگی، اجرای وظایف و تکالیف و مواجهه با مشکلات تأثیرگذار است (صفورایی، نقش اعتقادات، بینش ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده، ۱۳۹۰: ۵۳).

یکی از آثار باور دینی ایمان به خدا، ایجاد خوش بینی در فرد است؛ زیرا فرد مؤمن آفرینش را هدف دار و زندگی را معنادار می بیند. این طرز تلقی از جهان، دید انسان را خوش بینانه می سازد. امیدواری یکی دیگر از باورهای دینی است. فردی که باور به خدا دارد معتقد است خداوند به تلاش های او بی توجه نیست؛ بلکه دستگاه آفرینش و خالق آن پشتیبان افرادی است که در راه حق و



حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند و می‌گویند که اگر خدا را یاری کنیم خداوند هم ما را تنها نخواهد گذاشت (محمد/۷) و اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود (توبه/۱۲۰). نهال امید در دل او جوانه می‌زند. کاهش ناراحتی‌ها نیز در سایه باورهای دینی امکان پذیر است. ما «رأیت الا جمیلا» در همین راستا قابل تحلیل و تفسیر است. سکینه و آرامش خاطر از آن کسانی است که باورهای دینی قوی دارند، وحشت و دودلی در آن‌ها راه ندارد.

علامه (طباطبایی، المیزان، ۱۳۶۷: ۲/۴۶۰) شخص بی‌ایمان را همچون افراد بی‌سرپرست می‌داند که به کارشان رسیدگی نمی‌شود و خیالات و احساسات شوم از هر طرف بر آن‌ها حمله و آن‌ها را دچار اضطراب شدید می‌کند. ایشان برای اثبات این موضوع از آیات ۱۷ آل عمران، ۲۵۷ بقره، ۲۷ اعراف، ۲۶۸ بقره و ۶۲ یونس را شاهد می‌آورد. معنایافتن زندگی از آثار مهم باور دینی و اعتقاد به معاد است. باور به معاد و قیامت، انسان را متوجه اهداف پایداری می‌کند که باعث پیوند هرچه بیش‌تر اعضای جامعه و احساس مسئولیت آنان در برابر یکدیگر می‌شود. احساس مسئولیت یکی از عوامل مهم رفتار فردی و اجتماعی انسان به حساب می‌آید. به همین خاطر، اسلام هم خود افراد را موظف کرده است تا باورهای‌شان را اصلاح کنند و از آثار و نتایج مثبت باورهای سازنده دینی بهره‌مند گردند و هم به مریبان و عالمان دستور داده است که در قالب هدایت به باورهای مردم رسیدگی کنند.

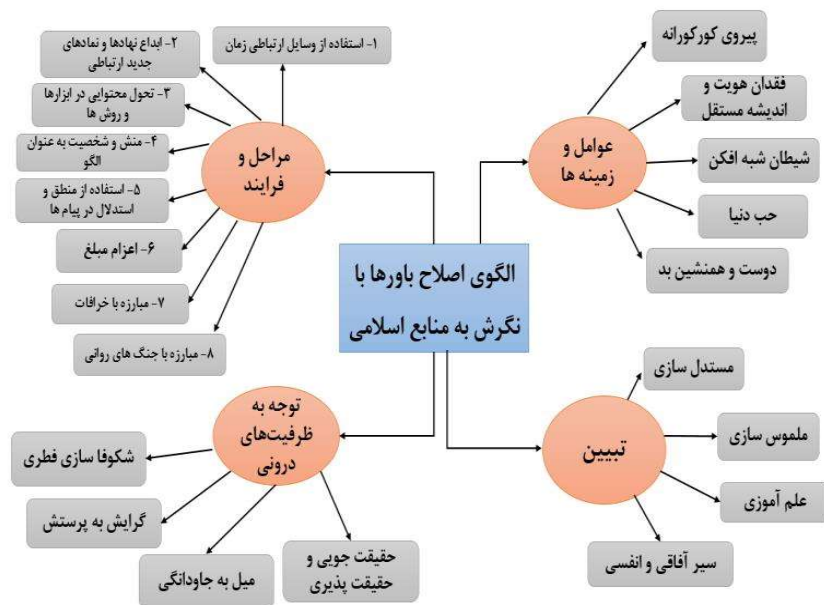
در تاریخ اسلام مشاهده می‌شود که افرادی نزد ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مراجعه می‌کردند و دین و باورهای دینی خود را عرضه می‌داشتند و امام (علیه‌السلام) آن را تأیید یا اصلاح می‌کردند. افزون بر این، افرادی را از اصحاب نزدیک خود به شهرها و کشورهای دیگری می‌فرستادند تا مردم دیگر مناطق که از درک حضور محروم بودند، بتوانند تعالیم و باورها و عقاید درست را فرا بگیرند. یکی از کسانی که عقاید و باورهایش را بر امام هادی (علیه‌السلام) عرضه داشت، عبدالعظیم حسنی بود. او کسی بود که امام هادی (علیه‌السلام) درباره ثواب زیارتش فرمود که اگر کسی قبر عبدالعظیم را زیارت کند، همانند کسی است که امام حسین (علیه‌السلام) را زیارت کرده است (ابن بابویه، الخصال، ۱۳۹۲: ۹۹).

مؤلفه‌های اصلاح باور در قرآن

باید توجه داشت که هر مکتب دیدگاه متفاوتی نسبت به آدمی و باورهای وی و هدف از اصلاح باور او دارد و در نتیجه، مؤلفه‌های اصلاح باور نیز می‌تواند متفاوت باشد. برای نمونه، مکتب رفتارگرایی بر رفتار آشکار موجود زنده تأکید می‌ورزد و در پی کسب یا تغییر این نوع رفتارها است. از سوی دیگر، شناخت‌گرایی توجه خود را معطوف به فرایندهای ذهنی کرده است. در این دیدگاه، روان‌شناسان به وجه

تمایز انسان از حیوانات یعنی عقل، تفکر و دیگر فرایندهای ذهنی توجه کرده‌اند (سیف، روان‌شناسی پرورشی نوین، ۱۴۰۱: ۳۴۶). در این میان، اسلام نظری متعادل بین این دو دیدگاه بیان می‌کند و الگویی دارای مؤلفه‌های مرتبط به هم ارائه می‌دهد. در این الگو، نخست، گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی و میل به جاودانگی همراه با گرایش به پرستش که ظرفیت‌های بالایی برای پذیرش باورهای دینی است، در انسان زنده می‌گردد. پس از آن، با دادن معرفت‌های صحیح با روش‌های مختلف استدلال، ملموس‌سازی و سیر در آفاق و انفس، می‌توان زمینه عمل آگاهانه را در انسان فراهم ساخت. در این میان، عوامل و زمینه‌هایی چون حب دنیا، هم‌نشینی بد، شبهه افکنی شیاطین و فقدان هویت نیز به بشر یادآور می‌شود. افزون بر این، با توجه به اینکه ایجاد یک باور و اعتقاد یا تغییر و اصلاح آن در طی زمان صورت می‌گیرد، موارد یادشده باید در یک فرایند به اجرا درآید. در این الگو، نخست، وسایل ارتباطی ساده رایج در هر عصر، سپس ابداع نمادها و نهادهای جدید ارتباطی و با استفاده از منطق و استدلال، اعزام مبلغ، مبارزه با خرافات و مبارزه با جنگ‌های روانی که ممکن است فرد را تحت تأثیر قرار دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمودار زیر، این الگو و مؤلفه‌های آن را ترسیم می‌کند. می‌توان گفت که از نظر اسلام هر سه مقوله شناخت و معرفت، گرایش‌ها و تمایلات و رفتار اهمیت داشته، شناخت و گرایش زمینه رفتار را فراهم می‌سازد (تاج‌الدین و بازارگادی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۱).

نمودار درختی الگوی اصلاح باورها





مؤلفه‌های توجه به ظرفیت‌های درونی انسان

خداوند که خالق بشر است، می‌داند که چه ظرفیت و توانایی‌های درونی را در موجودی به نام انسان تعبیه کرده است. توجه به این ظرفیت‌ها و استفاده از آنها برای تسهیل تربیت به‌ویژه تربیت اعتقادی لازم و ضروری است که در این جا به چند مورد اشاره می‌گردد.

۱. شکوفاسازی فطری: اساس اصلاح باورها در الگوی اسلامی بر شکوفاسازی فطرت است و تمام تلاش انبیاء برای شکوفاسازی فطرت بوده است (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ۱۴۰۰: ۸۷/۱-۸۸). در نگاه اسلام، انسان موجودی است که خداوند متعال گرایش‌های فطری را در سرشت او به ودیعت گذاشته است. این گرایش در همه زمان‌ها و مکان‌ها تجلی می‌یابد. از جمله امور فطری، کمال‌خواهی و آخرت‌گرایی در انسان است. (بناری و احمدلو، مولفه‌های فرایند ایجاد انگیزش در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم، ۱۴۰۱: ۴۰). بررسی سیر تحولات اجتماعی انسان‌ها نشان می‌دهد که اعتقاد و باور به زنده‌شدن و بازگشت مردگان از دیر زمان در تمام جوامع بشری وجود داشته است و هریک متناسب با اعتقادات خویش برای زندگی پس از مرگ چاره‌اندیشی کرده‌اند. بیدارسازی این‌گونه گرایش‌های فطری از درون، پیش از القای دانش‌های اعتقادی از برون، مهم‌ترین نکته در شروع تربیت اعتقادی است. اهمیت شکوفاسازی فطری در تربیت اعتقادی که اصلاح باورها زیر مجموعه‌ی آن است، به اندازه‌ای است که گروهی از دانشمندان و فلاسفه از قدیم معتقد بوده‌اند که یگانه راه شناخت صحیح در همه حقایق، همین راه تزکیه دل بوده است. از این راه می‌توان خدا را وجدانی کرد و راه استدلال کافی نیست. به همین جهت در آیات متعدد قرآن وظیفه پیامبر را در کنار تعلیم، تزکیه ذکر می‌کند. از افلاطون نقل شده است که اثبات وجود خداوند با کشف و شهود است و با استدلال امکان‌پذیر نیست (فروغی، سیر حکمت در اروپا، ۱۳۹۸: ۲۵).

۲. گرایش به پرستش: بررسی اجمالی زندگی آدمی از آغاز تا امروز ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که آدمی همواره در پی پاسخ‌گویی به برخی گرایش‌ها و تمایلات درونی خود، به پرستش موجودات متعدد و متنوع روی آورده است (قربانیان، مبانی تحول عقیده انسان از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۰۹). قرآن از این تمایل درونی در جهت تغییر و تحول عقیده بهره گرفته است. در قرآن کریم آمده است که زمانی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آن‌ها را برگرفت و آنان را گواه بر خویش ساخت و فرمود که آیا من رب شما نیستم؟ آنان گفتند که آری گواهی می‌دهیم که مبادا روز رستاخیز بگویند ما از این غافل بودیم (اعراف/۱۷۲).

۳. میل به جاودانگی: یکی از گرایش‌های درونی انسان، میل به بقا و نیاز به حیات دائمی است. این گرایش در وجود آدمی به گونه‌ای است که انسان به منظور دستیابی به آن تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد. برخی از آیات قرآن حاکی از ابدیت‌طلبی انسان است و بر وجود این تمایل باطنی صحنه می‌گذارند. تو آنان را حریص‌ترین مردم حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی می‌بینی؛ هر یک از آنان دوست دارند هزار سال عمر کنند (بقره/۹۶). در سوره همزه آیه ۲ و ۳ می‌فرماید که همان کسی که مال فراوان جمع‌آوری و شمارش کرده است، بی‌هیچ قید و شرطی او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد (همزه/۲-۳) بر این اساس، قرآن کریم ضمن توجه دقیق بر این بعد، سعی در معرفی و شناساندن چشم‌انداز وسیع کرده است و حیات دیگری را در پیش روی انسان به تصویر می‌کشد و باور به معاد و زندگی دوباره را در اذهان مردم جا می‌اندازد.

۴. حقیقت‌جویی و حقیقت‌پذیری: میل به حقیقت‌جویی یک گرایش درونی در آدمی است. انسان می‌خواهد جهان خلقت و نیازهای خود را بشناسد یا به آنها پاسخ مناسب دهد. این گرایش در انسان محدود به حوزه خاصی از علوم و معارف نیست. انسان همیشه در پی این است که علت پدیده‌ها را بداند و از طریق شناسایی علت‌ها به علت علت‌ها برسد و به او ایمان بیاورد. اگر این گرایش در او نبود، از کنار تمام پدیده‌ها بی‌تفاوت رد می‌شد. این ویژگی یعنی حقیقت‌جویی، انسان را وامی‌دارد تا به تحلیل عقاید و باورهای گوناگون بپردازد و از میان آنها عقاید و باورهای صحیح را انتخاب نماید و اگر پیش از آن باور انحرافی داشته، آن را اصلاح نماید. بنابراین، اسلام برای اصلاح عقاید و باورهای مردم هم به ظرفیت‌ها و تمایلات درونی فوق توجه دارد و هم استفاده از ظرفیت‌های موجود را در برنامه‌های اصلاحی خود لحاظ کرده است.

مؤلفه‌های تبیین

تبیین بدین معناست که ایجاد تغییرات مطلوب همراه با تبیین باشد و خود فرد نسبت به تغییراتی که قرار است در او ایجاد شود، بصیرت و آگاهی داشته باشد. در این صورت، مربی تنها رفتار و حالت فرد را تغییر نمی‌دهد؛ بلکه بینشی در او ایجاد می‌کند که این بینش در سه روش عادت، تلقین و تحمیل نیست. تبیین با دانش به معنای انتقال مجموعه اطلاعات نیست؛ بلکه فراهم کردن بصیرت نسبت به چرایی در فرد است. بینش انسان نسبت به اعمال و رفتار هنگامی کامل می‌شود که از خویش و جهان اطرافش آگاهی داشته باشد و این امر با موارد زیر تحقق می‌یابد.



۱. **مستدل سازی:** در اسلام، برهان مداری و خردورزی راهکار اساسی استحکام بخشی به بنیان عقاید و باورها به شمار می رود. بدون شک برهان و استدلال یکی از مصادیق حکم و قول محکم در آیه ۱۲۵ سوره نحل است: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنان با روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن (نحل/۱۲۵). تلاش و کوشش مریبان اعتقادات و باورهای دینی، مستدل سازی است تا پیروان خود را در برابر شبهه افکنان بیمه کنند؛ زیرا تنها انتقال اطلاعات، منطقی به نظر نمی رسد؛ بلکه باید متربی با ریشه های فکری و سرچشمه های معرفتی آشنا شود (تصدیقی و تصدیقی، موانع تحقیق و فرهنگ پژوهش در نظام آموزش عالی، ۱۳۸۸: ۶۶۶-۶۶۷). نخستین گام در مستدل سازی عقاید و باورها آشنا کردن فرد با مفاهیم اعتقادی متناسب با درک اوست. معصومان علیهم السلام برای تفهیم این مفاهیم از تمثیل و تشبیه نیز استفاده می کردند. البته، اثبات اصول عقاید و پذیرش آن توسط متربی نه پایان کار، که آغاز راه تربیت اعتقادی است و متربی هنوز نیاز به درونی سازی و عمق بخشی باورها دارد. در تفسیر سوره مبارکه توحید، از امام سجاد علیه السلام راجع به این سوره سؤال شد، حضرت فرمودند: خداوند می دانست که در آخر الزمان مردمان ژرف اندیش می آیند؛ بدان جهت خداوند سوره قل هو الله را نازل کرد (کلینی، الکافی، ۱۳۹۳: ۱/۱۲۲). بنابراین مستدل سازی و برهانی ساختن عقاید و باورها در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است.

۲. **ملموس سازی:** محسوس سازی و ملموس سازی مفاهیم اعتقادی از طریق زبان هنر، تشبیه و تمثیل، داستان و نمایش برای همه خصوصاً برای کودکان بسیار مفید و سودمند است. این روش ها هم ماندگارتر و هم عمومی تر نسبت به روش های بینشی است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به قومی برخورد کردند که کسی از آنان مرده بود. امام علیه السلام توقف کردند و به آنان تسلیت گفتند و سپس فرمود: از مرگ گریزی نبوده، اختصاص به شما هم ندارد. این کسی که مرده آیا مسافرت هم می کرد؟ گفتند آری. فرمود: این را نیز یکی از مسافرت های وی بشمارید یا او به سوی شما می آید یا شما به سوی او می روید (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۸۶: ۱۴/۳۱۴). در اینجا امام علیه السلام یکی از باورهای اساسی دین یعنی زنده شدن دوباره را با محسوس کردن و تشبیه آن به مسافرت در ذهن مخاطب می اندازد که ماندگار است. با توجه به محدودیت تفکر کودکان و عدم توانایی درک مفاهیم انتزاعی و استدلال های پیچیده عقلانی، محسوس سازی از روش های مناسب آموزش مفاهیم دینی و گزاره های اعتقادی در دوره کودکی است (ساجدی، تربیت اعتقادی و شاخص های آن، ۱۳۹۱: ۶۵). محسوس و ملموس سازی به صورت های زیر امکان پذیر است و نمونه های آن در آموزه های دینی موجود است که در زیر به چند مورد اشاره می گردد.

یک. **موقعیت‌سازی و استفاده از شرایط محیطی:** یکی از بهترین راه‌ها برای قابل‌فهم‌کردن گزاره‌های اعتقادی استفاده از شرایط، مناسبت‌ها و موقعیت‌های پیش آمده یا پیش آورده است. برای این مورد می‌توان به داستان شگفت‌انگیز عزیر در آیه ۲۵۹ سوره بقره و داستان ابراهیم و چهار پرنده در آیه ۲۶۰ سوره بقره اشاره کرد.

دو. **شبیه‌سازی و مثال‌آوری:** یکی از راه‌های محسوس‌سازی مثال‌آوری است. انسان محسوس‌گرا است و غیر محسوسات را به راحتی نمی‌پذیرد. نیاز انسان به پیامبر را می‌توان به مسافری تشبیه کرد که به جای نامعلوم می‌رود و نیاز به کسب اطلاعات و فراهم کردن ابزار و وسایل لازم برای سفر را دارد. پیامبران هم راهنمای خوبی برای مسافران آخرت هستند و مردم را به خوبی نسبت به نیازهای این سفر بدون بازگشت راهنمایی می‌کنند.

سه. **داستان‌سرایی و روایت‌گرایی:** زبان قصه و داستان نیز از روش‌های مناسب برای ملموس‌سازی مفاهیم و گزاره‌های اعتقادی است. قرآن کریم بسیاری از معارف و تعالیم اسلامی را با زبان قصه برای مردم بیان می‌کند؛ به عنوان نمونه، پیدایش خلقت را با داستان آفرینش آدم و حضرت عیسی به خوبی و سادگی طرح می‌کند.

۳. **علم‌آموزی:** یکی از راه‌های تثبیت و عمق بخشی اعتقادات و باورهای دینی، علم و حکمت‌آموزی است. با توجه به اینکه توحید نسبت به سایر باورهای دینی در زندگی افراد تأثیرگذارتر است، بهترین علم از میان علوم اسلامی علم توحید یعنی عرفان و الهیات و مطالعه شگفتی‌های آفرینش پروردگار در طبیعیات و علوم تجربی است. کتب و احادیث چون توحید شیخ صدوق و توحید مفصل نمونه‌ای از خداشناسی از طریق علوم توسط ائمه علیهم‌السلام است (همان: ۶۸).

۴. **سیر آفاقی و انفسی:** سیر آفاقی و انفسی یکی از روش‌های باور به خدا و خداشناسی است. همان‌طور که تأمل در مظاهر آفرینش و آیات کتاب هستی موجب پیدایش و افزایش ایمان می‌شود، تفکر در آیات قرآن به عنوان کتاب تدوین نیز موجب ازدیاد و فزونی ایمان مؤمنان خواهد شد. اساسا تعلیم و تعلم قرآن یکی از روش‌های کلیدی تربیت در همه ساحت‌ها به خصوص ساحت اعتقادی است. یکی از مصادیق سیر آفاقی، سیر تاریخی است. اندیشه در الگوهای اعتقادی و تاریخ قهرمانان توحید و تفکر در قصص و تمثیل‌های قرآنی، جرعه‌هایی را برای تأمل به وجود می‌آورند. به راستی در سرگذشت آنها عبرتی برای صاحبان اندیشه است. این‌ها داستان دروغین نبود؛ بلکه وحی آسمانی با کتاب آسمانی پیشین هماهنگ است و در آن شرح هر چیزی که مایه سعادت انسان است، هدایت و رحمتی است برای گروه که ایمان می‌آورند (یوسف/۱۱۱)



موارد بالا راه‌های مهم تثبیت عقاید و باورهای دینی است. تفاوت راه و روش‌ها به خاطر تفاوت مخاطبان است. گاهی مخاطب کودک و گاهی بزرگسال، گاهی هم با سواد و تحصیل کرده و در مواردی بی‌سواد است.

مؤلفه‌های عوامل و زمینه‌ها

بررسی زمینه‌ها و عوامل انحرافات اعم از اعتقادی یا رفتاری از جمله مسائل مهمی است که دین اسلام به آن توجه کرده است. با مراجعه به آموزه‌های قرآن می‌توان دریافت که انحراف اعتقادی معلول عوامل و زمینه‌های زیر است.

۱. پیروی کورکورانه از پدران: پیروی کورکورانه از پدران در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. زمانی که ابراهیم به پدر و نزدیکان خود می‌گوید که این مجسمه‌ها چیست که شما در برابر آنها خضوع کرده‌اید؟ آنان پاسخ می‌دهند که این سنت آباء و اجداد ماست (انبیاء/۵۳). این مضمون در آیات متعدد از قرآن آمده است. هنگامی که به بت پرستان گفته می‌شود که این بت‌ها چیستند که می‌پرستید؟ آیا آنها چیزی می‌فهمند؟ یا سود و زیانی دارند؟ (شعراء/ ۷۰-۷۳) آنان در پاسخ می‌گویند که پدران ما این گونه عبادت می‌کردند ما نیز همان روش آن‌ها را حفظ می‌کنیم (زخرف/۴۳). این افراد در مقام تشخیص راه صحیح، معرفت صحیح و اعتقاد و باور صحیح تحقیق نمی‌کنند. قرآن با نقل این داستان به مردم هشدار می‌دهد که برای باورهای دینی‌تان ارزش قائل باشید. هیچ پیامبری را نفرستادیم، برای هیچ مردمی، مگر اینکه این افراد خوش‌گذران در برابر پیامبران این شعار را دادند؛ پدران ما چنین کردند ما نیز چنین می‌کنیم (زخرف/۲۳).

۲. فقدان هویت و اندیشه مستقل: یکی دیگر از عوامل انحرافات اعتقادی انسان، چشم دوختن به برتری‌های مادی دیگران و خودباختگی و تقلید کورکورانه از آن‌هاست. امروزه این ویژگی به صورت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. بیش‌تر مردم دچار ضعف استدلال قوی هستند؛ بدین جهت قرآن می‌فرماید: و بیشتر آنها نمی‌اندیشند (مائده/۱۰۳). آنان مغالطاتی که در زمینه‌های اعتقادی وجود دارد یا ایجاد می‌شود را نمی‌توانند تشخیص دهند. پایه و اساس تبلیغات امروزی بر همین مغالطات استوار است؛ بنابراین، نیاز به عقل و استدلال قوی است. فرعون با استفاده از این عامل و ابزار در میان قوم خود ندا داد: ای قوم من آیا حکومت سرزمین پهناور مصر از آن من نیست؟ و این نه‌های عظیم تحت فرمان من قرار ندارند و از قصر و مزارع و باغ‌های من نمی‌گذرد؟ آیا نمی‌بینید؟ ولی موسی چه دارد؟ هیچ، یک عصا و یک لباس پشمینه (زخرف/۵۱). فرعون با سفسطه‌بازی و مغالطه‌کاری می‌خواست جلو نفوذ موسی علیه السلام در افکار مردم را بگیرد و با این کار برتری خود را نسبت به موسی به اثبات رساند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۹۷: ۸۴/۲۱).

۳. شبهه افکنی: کار شیطان القای سخنان زیبا به پیروان خود است؛ به پیروان خود یاد می دهد که چگونه سخنان جذاب و زیبا بگویند: این چنین در برابر پیامبران دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم و کار آنان این بود که سخنان فریبنده ای برای اغفال دیگران به طور اسرارآمیز و گاهی در گوشی به هم می گفتند؛ ولی اشتباه نشود اگر خداوند می خواست می توانست به اجبار جلو همه آنها را بگیرد تا هیچ شیطانی و شیطان صفتی نتواند در راه پیامبران و دعوت آنها کوچک ترین سنگی بیندازد. با این همه، خداوند این کار را نکرد، زیرا می خواست مردم آزاد باشند تا دنیا میدانی برای امتحان و آزمایش باشد (انعام/۱۱۲).

۴. حب دنیا: دوست داران دنیا چند دسته اند؛ گروهی به مبدأ و معاد در باطن ایمان دارند، ولی چون ایمان شان تقلیدی است و در دین بصیرت و علمی ندارند، بهره های دنیوی را بر نعمت های اخروی، ترجیح می دهند. گروه دیگر، چنان دنیا و امور طبیعی آنان را فرا گرفته که منکر مبدأ و معاد گردیده اند. گروهی دیگری هم هستند که دنیا را از این نظر می خواهند که وسیله رسیدن به سعادت اخروی است. از نظر آنان راه نجات از دنیاگرایی زهد و بی رغبتی است؛ به این معنا که انسان دل بسته به دنیا نباشد و خودش را در لذت های دنیوی غرق نکند. زهد، ترک دنیا و پشت پا زدن به فعالیت های زندگی نیست؛ بلکه دنیا را به خدمت خویشتن در آوردن است. عواملی که باعث زهد می شوند، یاد مرگ و آخرت، دور اندیشی، آشنایی با حقیقت دنیا است (همان: ۴۰۶/۵).

۵. دوست و هم نشین بد: از دیگر علل انحراف انسان، هم نشینی با افراد فاسد است. دوستان و هم نشینان منحرف و مشاوران گمراه می توانند تشخیص انسان را دگرگون سازند، فکر او را بدزدند و در نتیجه راه وصول به حق را به روی او ببندند. واقعیت ها را چنان دگرگون نشان دهند که انسان در عین گمراهی خود را در زمره هدایت یافتگان ببیند (بابازاده، آیین دوستی در اسلام، ۱۳۷۴: ۴۵۴). بنابراین دوست و معاشر بد، عامل ویرانگری برای نابودی شخصیت انسان است. راه رهایی از شرارت دوستان ناباب این است که هیچ سخن و طرحی را بدون تأمل و سنجش از دوست نپذیرفته، اعتماد صد درصد بدون آزمایش کافی به کسی نکرده و همچنین با افراد ناشناخته طرح دوستی نریزد (همان: ۸۱-۱۲۶). دوست در کسب بینش و باورهای انسان تأثیرگذار است، زیرا دوست بد باورهای نادرست را و دوست خوب باورهای مفید و سودمند را به انسان القا می کند.



مؤلفه‌های فرایند اصلاح باورها

قرآن برای اصلاح امور فرهنگی جامعه جاهلی فرایندی را طی کرد و با گذراندن مراحل زیر توانست تحول عمده در زمینه باورهای غلط مردم آن روز ایجاد کند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اسلام با استفاده از الگوی نوین خویش در ایجاد تغییر و اصلاح موفق بوده است.

۱. استفاده از وسایل ارتباطی زمان: در ابتدای امر، اسلام از همان وسایل ارتباطی زمان جاهلیت مانند شعر و خطابه بهره گرفت. البته با تغییر پیام و محتوا و در ادامه ابزار جدید مانند قرآن، سنت، اذان، روابط دوستانه و شخصی، مسجد و حج را ابداع کرد و به کار گرفت (خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ۱۳۷۴: ۲۲۱).

۲. ابداع نهادها و نمادهای جدید ارتباطی: از جمله مسائل مهم و قابل توجه در روش تبلیغ پیامبر، ابداع نهادها و نمادهایی بوده که تا زمان عصر دعوت ایشان رواج نداشت و این رسانه‌سازی نقش مؤثر و مهمی در یادآوری معارف دینی داشت که از جمله آنها می‌توان به مسجد، نماز، نماز جمعه، اذان، اقامه، منبر، کتابت و نویسندگی اشاره کرد (الویری، شیوه‌های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در عهد مکی، ۱۳۸۳: ۵۳؛ مطهری، ده گفتار، ۱۳۸۵: ۲۳۴). مراد از جنبه تبلیغی بودن اذان و اقامه این است که یکی از مهم‌ترین روش‌های تبلیغ، القاء از طریق تکرار است و در این دو شعار دینی که هر روز پنج بار تکرار می‌شود، بسیاری از معارف و تعالیم دینی به صورت کوتاه و موجز مورد تأکید قرار می‌گیرد (الویری، شیوه‌های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در عهد مکی، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۴).

۳. تحول محتوایی در ابزارها و روش‌ها: در زبان عربی، فنونی چون شعر و خطابه و نویسندگی وجود داشت، ولی ازلحاظ معنا محدود بود. با ظهور اسلامی، تحولاتی در این فنون پدید آمد و دین اسلام در هر سه زمینه اثر گذاشت و به معنای شعر هم وسعت داد و در خطابه نیز تحول عظیم ایجاد کرد. پیامبر ﷺ در زمان حضور در مکه و همچنین در مدینه، به‌ویژه در نماز جمعه‌ها، از روش خطابه بیش‌تر استفاده می‌کردند (مطهری، ده گفتار، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۴). ایشان افراد سرشناسی را که دارای نفوذ در میان قوم خود بودند، شناسایی و با آنان ارتباط برقرار می‌کردند. نخست، آنان را به اسلام دعوت می‌کرد و سپس، از نفوذ آنان در ترویج دین و باورهای آن بهره می‌گرفتند (فیاض، تاریخ اسلام، ۱۳۸۴: ۶۶).

۴. منش و شخصیت به عنوان اسوه: تنها استفاده از ابزار قدیم و جدید و ایجاد تحول در محتوا و روش برای اصلاح و تغییر کافی نبود، باید پیامبر ﷺ هم خود الگو می‌شدند و هم الگوهایی را برای پیاده کردن ارزش‌های دینی معرفی می‌کردند. بی‌شک، اخلاق، عطف و مهربانی پیامبر ﷺ در جهت پذیرش پیام‌های آسمانی نقش به سزایی داشت. قرآن می‌فرماید که در پرتو رحمت و لطف پروردگار تو

با مردم نرم خو و مهربان شدی، درحالی که اگر خشن و تندخو و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند (آل عمران/۱۵۹). بسیار اندک اند کسانی که از آدم های بداخلاق و خشن پیامی را بپذیرند و بدان پایبند شوند.

۵. استفاده از منطق و استدلال در پیام ها: از آنجایی که انسان ها متفاوت اند، برخی از منش و برخی از روش و منطق تأثیر می پذیرند. اسلام از همه ابزار و وسایل برای اقناع مخاطب بهره گرفت. کسانی بودند که جز از طریق منطق و استدلال پیامی را نمی پذیرفتند؛ پیامبر ﷺ در برابر آنان از این شیوه بهره گرفت. وقتی قریش از حصین درخواست کردند که با پیامبر صحبت کنند تا آن حضرت از بت های آنها به بدی یاد نکند، وی به نزد پیامبر ﷺ آمد و خطاب به ایشان گفت: چه می گوید؟ چرا بت های ما را به بدی یاد می کنی؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود که ای حصین چند خدا را می پرستی؟ وی گفت که هفت خدا را در زمین و یک خدا را در آسمان. حضرت پرسید: وقتی زبانی متوجه تو می شود، کدام یک را می خوانی؟ حصین گفت: خدای را که در آسمان است. حضرت فرمود: اگر اموال تو از بین برود، کدام یک را می خوانی؟ گفت: خدایی را که در آسمان است. حضرت فرمود: همان است که دعای تو را اجابت می کند و حال آن که تو برای او شریک قائل می شوی. ای حصین ایمان بیاور تا در امان باشی و حصین نیز اسلام آورد (الویری، شیوه های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در عهد مکی، ۱۳۸۳: ۵۴).

۶. اعزام مبلغ: در مراحل بعد که مسلمانان قوت گرفتند و نیروها در دامن مکتب اسلام پرورش یافتند و از حضور پیامبر استفاده کردند، به عنوان مبلغ به نقاط دیگر اعزام شدند تا مردمی را که از فیض حضور محروم بودند با عقائد اسلامی آشنا سازند. پیامبر ﷺ به همراه بیعت کنندگان از شهر یثرب، مصعب بن زبیر را برای خواندن قرآن، بیان احکام و تعالیم دین اسلام اعزام کردند. ایشان همین روش را برای مکان های دیگر نیز به کار گرفتند (فیاض، تاریخ اسلام، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۶).

۷. مبارزه با خرافات: برخی باورهای خرافی از پیشینیان در بین مردم بود. برخی دیگر از اعتقادات انحرافی در اثر کج فهمی و غرض ورزی در جامعه آن روز پیدا می شد و همین باورهای غلط به نسل های بعد نیز منتقل می گشت. پیامبر ﷺ وظیفه داشت که باورهای نادرست را اصلاح کند و همچنین از شکل گیری باورهای انحرافی جدید جلوگیری کند و این کار را هم انجام دادند. برای نمونه، یگانه پسر ایشان که بیش از یک سال و ده ماه نداشت، درگذشت و خورشید در آن روز به مدت دو ساعت گرفت. وقتی عموم مردم علی رغم گرویدن به اسلام بر اساس تفکرهای خرافی و جاهلی گرفتن خورشید را نشانه ای از هم دردی کیهان با درد و غم پیامبر ﷺ تفسیر کردند، ایشان بدون تأمل به میان آنان رفتند و با لحن قاطع به آنان گفتند که ماه و خورشید دو نشانه از نشانه های خدایند؛ برای مرگ و یا زندگی کسی نمی گیرند، پس هرگاه چنین دیدید به مسجدهای خود پناه برید (زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ۱۳۸۶: ۵۵۲).



۸. مبارزه با جنگ‌های روانی: وقتی مشرکان و منافقان دیدند که نمی‌توانند با مسلمانان مقابله کنند و آنان روز به روز قوی‌تر و خودشان ضعیف‌تر می‌شوند، از حرب‌های دیگر استفاده کردند. شیاعاتی را پراکندند تا بتوانند مسلمانان را دچار شک و تردید کنند که آیا راه در پیش گرفته درست است؟ آیا اعتقاد و باورهایشان صحیح است یا نه؟ قرآن نمونه‌های فراوانی را در این زمینه نقل می‌کند. برای نمونه، عده‌ای از دانشمندان یهود نقشه ماهرانه‌ای برای متزلزل ساختن بعضی از مؤمنان طرح کرده و با یک‌دیگر تباری کردند که صبح‌گاهان خدمت پیامبر برسند و در ظاهر ایمان بیاورند و مسلمان شوند، ولی در پایان روز از این آیین برگردند. هنگامی که از آنان پرسش شود چرا چنین کرده‌اند، بگویند که ما صفات محمد ﷺ را از نزدیک مشاهده کردیم و هنگامی که به کتب دینی خود مراجعه کرده و یا با دانشمندان دینی خود مشورت کردیم، دیدیم صفات و روش او با آنچه در کتب ما است تطبیق نمی‌کند. این بازگشت سبب می‌شد تا عده‌ای بگویند که اینان به کتب آسمانی از ما آگاه‌ترند و آنچه را گفته‌اند راست می‌گویند و به این وسیله ایمان و اعتقادشان متزلزل می‌گردد. آیه ۷۲ سوره آل عمران نازل شد و به مؤمنان هشدار داد تا متوجه توطئه خطرناک باشند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۹۷: ۶۱۴/۲).

نتیجه

در تعریفی ساده، باورها اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد. باورها لزوماً ریشه در واقعیت ندارند و می‌توانند منطقی و غیرمنطقی باشند. هر شخص ممکن است آدمی را موجودی بدسرشت بیندارد، فرد دیگری ممکن است او را موجودی نیک‌سرشت بداند که به زمین پا گذاشته تا مسیر کمال را طی کند. موفقیت‌ها و شکست‌های هر فرد و همچنین انتخاب‌های وی تا حدودی از طریق باورها شکل می‌گیرد. یکی از عوامل محدودساز در زندگی آدمی، باورهای اوست و وی باید باورهای اشتباه و نادرست خود را شناسایی کند و باورهای درست را جایگزین آن‌ها کند.

تغییر باور و شناخت در روان‌شناسی شناختی موردتوجه روان‌درمان‌گران رفتارهای شناختی قرار گرفته است. آنان بر این باورند که افکار ناسازگارانه، نگرش‌ها و فرض‌های نادرست و انحرافی (خطاهای شناختی)، پیامدهای ناگواری را در پی دارد و در این زمینه الگوهایی را برای تغییر بیان کرده‌اند. یکی از مدل‌های که در درمان رفتارهای شناختی مورد استفاده قرار گرفته مدل (ABC) آلبرت ایس است. ایده اصلی این مدل این است که با فکرکردن به رویدادهای تحریک‌کننده (Activating event) احساسات و رفتارهای مان (Consequences) را به وجود می‌آوریم که این احساسات ناشی از باورها (Beleifs)، به‌ویژه باورهای غیرمنطقی ماست. با این همه، می‌توان با تغییر دادن افکار درونی و زیر سؤال بردن آن‌ها، رفتارهای ناامیدکننده را کنار گذاشت.

در این بین، قرآن کریم که اصلاح باورها یکی از مهم‌ترین اهداف آن است، از الگوی مشخص و متمایزی سخن به میان می‌آورد. این الگو از ساختار اساسی توجه به ظرفیت‌های درونی، تبیین، عوامل و زمینه‌ها و فرایند اصلاح باورها برخوردار است که هریک از آن‌ها دارای مؤلفه‌های گوناگونی است. نخست، گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی و میل به جاودانگی همراه با گرایش به پرستش، ظرفیت‌های درونی انسان زنده می‌گردد. پس از آن، با روش‌های مختلف استدلال، ملموس‌سازی، علم‌آموزی و سیر در آفاق و انفس، می‌توان زمینه عمل آگاهانه را در انسان فراهم ساخت و به تبیین آن پرداخت. در این میان، عوامل و زمینه‌هایی چون پیروی کورکورانه، فقدان هویت، شبهه‌افکنی، حب دنیا و هم‌نشینی بد، به بشر یادآور می‌شود. افزون بر این، با توجه به اینکه ایجاد یک باور یا تغییر و اصلاح آن در طی زمان صورت می‌گیرد، موارد یادشده باید در یک فرایند به اجرا درآید. در این الگو، به ترتیب، وسایل ارتباطی رایج در هر عصر، ابداع نمادها و نهادهای جدید ارتباطی، اسوه‌سازی، استفاده از منطق و استدلال، اعزام مبلغ، مبارزه با خرافات و مبارزه با جنگ‌های روانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این الگو ابعاد و جوانب گوناگونی را برای اصلاح باورها مورد توجه قرار داده است. در این الگو، از سویی آدمی دارای گرایش‌های فطری و ظرفیت‌های درونی در نظر گرفته شده است که می‌توان با زنده نگه‌داشتن آن‌ها از باورهای نادرست ناسازگار با فطرت الهی دوری جست و به اصلاح آن‌ها پرداخت. از سوی دیگر، آدمی تحت تأثیر عوامل بیرونی مختلفی قرار دارد که می‌تواند او را به بیراهه بکشاند. در این صورت، برای اصلاح باورها باید هم درون و هم بیرون فرد مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این، فرایند و مراحل اصلاح باورها نیز بسیار مهم است. امروزه که با انواع گوناگونی از باورهای نادرست و انحرافی مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان مواجه‌ایم، این الگو از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس این الگو، می‌توان به اصلاح باورهای آنان همت گماشت و توجه آنان را به داشته‌های خود و نیز محیط پیرامون معطوف کرد. همچنین، در اصلاح باورهای آنان نباید از رسانه‌های ارتباط جمعی امروزی، معرفی اسوه‌ها، به‌کارگیری منطق و استدلال، دوستی با آنان و مبارزه با جنگ‌های روانی بیگانگان غافل شد.

به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود پرسش‌نامه‌ای برای الگوی موردنظر برگرفته از قرآن کریم بسازند و روایی و پایایی آن را به‌دست آورند. همچنین، آنان می‌توانند این الگو را در برخی از مراکز، مدارس و یا استان‌ها به اجرا درآورند تا در مقایسه با دیگر الگوها، میزان دست‌یابی آن را به نتایج مطلوب مشخص کنند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۹۲.
۳. الویری، محسن، «شیوه‌های فرهنگی - ارتباطی پیامبر ﷺ در عهد مکی»، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۱، ۱۳۸۳.
۴. بابازاده، علی اکبر، آیین دوستی در اسلام، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران: ۱۳۷۴.
۵. باقری، خسرو، نگاهی نوبه تربیت اسلامی، مدرسه، تهران: ۱۴۰۰.
۶. بناری، علی همت و احمدلو، مسلم، مولفه‌های فرایند ایجاد انگیزش در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه علمی قرآن و علم، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱.
۷. تاج‌الدین، مرضیه و بازارگادی، مهنوش، «قرآن کریم و نهضت تربیتی پرورشی: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، فصل‌نامه قرآنی کوثر، ش ۳۲، ۱۳۸۸.
۸. تصدیقی، محمدعلی و تصدیقی، فروغ، «موانع تحقیق و فرهنگ پژوهش در نظام آموزش عالی»، فصل‌نامه مهندسی فرهنگی، ش ۳۶، ۱۳۸۸.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، آل‌البیت، قم: ۱۳۸۶.
۱۰. حمید، نجمه و همکاران، «اثربخشی گروه درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر رویکرد منطقی - عاطفی الیس بر منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی»، فصل‌نامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ش ۲۲، ۱۳۹۲.
۱۱. خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۴.
۱۲. رضوانی، علی اصغر، اسلام و پاسخ به شبهات، مسجد مقدس جمکران، قم: ۱۳۸۶.
۱۳. زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، سمت، تهران: ۱۳۸۴.
۱۴. ساجدی، ابوالفضل، تربیت اعتقادی و شاخص‌های آن، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، تهران: ۱۳۹۱.
۱۵. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش)، دوران، تهران: ۱۴۰۱.

۱۶. سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتاردرمانی: نظریه‌ها و روش‌ها، دوران، تهران: ۱۴۰۲.
۱۷. شعبانپور، محمد، بشارتی، زهرا، «راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن (با تکیه بر قرآن و دعای مکارم الأخلاق)»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۱۳۹۲، ۱۵.
۱۸. شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، نشر دانشگاهی، تهران: ۱۴۰۱.
۱۹. صدر، سید موسی، «قرآن و شیوه اصلاح فرهنگ»، نشریه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۴ و ۵۵، ۱۳۸۷.
۲۰. صفورایی، محمدمهدی، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده»، معرفت، ش ۱۳۹۰، ۱۶۳.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، رجا، تهران: ۱۳۶۷.
۲۲. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا: سقراط و افلاطون، شرکت نشر کتاب هرمس، تهران: ۱۳۹۸.
۲۳. فری، مایکل، شناخت درمان‌گری گروهی، ترجمه مسعود جان بزرگی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۸.
۲۴. فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۴.
۲۵. قربانیان، مجتبی، «مبانی تحول عقیده انسان از منظر قرآن کریم»، نشریه قرآن، فرهنگ و تمدن، ش ۱، ۱۳۹۹.
۲۶. کریمی، یوسف و صفاری‌نیا، مجید، «روان‌شناسی اجتماعی و تغییر نگرش مصرف‌کنندگان انرژی»، نشریه انرژی ایران، ش ۲۲، ۱۳۸۴.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالثقلین، قم: ۱۳۹۳.
۲۸. لیهی، رابرت، فنون شناخت درمانی، ترجمه لادن فتی و همکاران، دانژه، تهران: ۱۴۰۰.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، اسلامیه، قم: ۱۳۸۶.
۳۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، صدرا، تهران: ۱۳۸۵.
۳۱. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۷.



References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. Alavi, Mohsen, "Siwaye Farhandi – Irtibati Payamber dar Adh Makki (Cultural-Communicative Methods of the Prophet (PBUH) in the Meccan Era)", Faslnameh-e Pazhuheshe-ye Daneshgah-e Imam Sadiq (AS) (Imam Sadiq University Research Journal), Issue ۲۱, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۳. Babazadeh, Ali Akbar, Ayin-e Dosti dar Islam (The Ritual of Friendship in Islam), Daft-e Tahqiqat va Entesharat Badr (Badr Research and Publications Office), Tehran: ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۴. Baqeri, Khosrow, Negahi Now beh Tarbiat-e Eslami (A Glimpse at Islamic Education), Madrasah, Tehran: ۱۴۰۰ SH (۲۰۲۱ CE).
۵. Fayyaz, Ali Akbar, Tarikh-e Islam (History of Islam), Daneshgah-e Tehran, Tehran: ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۶. Benari, Ali Hammat and Ahmadlou, Muslim, the components of the process of creating motivation in moral education from the perspective of the Holy Qur'an, Quran and Science Journal, Volume ۱۶, , Number ۳۱, March ۲۰۲۳, Pages ۳۳-۵۶.
۷. Frey, Michael, Fanoon-e Shinakhti Darmani (Group Psychotherapy Techniques), Translated by Masoud Jan Bozorgi, The Research Institute of Seminary and University, Qom: ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۸. Furoghi, Mohammad Ali, Sayr-e Hikmat dar Europā: Sokrat va Aflaton (The Journey of Philosophy in Europe: Socrates and Plato), Sherkat-e Nashr-e Ketab Hermes, Tehran: ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۹. Hamid, Najmeh, et al., "Athabakhshi Gorohe Darmani Shenakhti Raftari Muhtani bar Rukarde Mantiqi – A'tifi Alyes bar Ma'ba' Kontrol wa Pishraft Tahsili Danesjuyan Pizishki (The Efficacy of Cognitive-Behavioral Group Therapy Based on the Rational-Emotive Approach on the Locus of Control and Academic Progress of Medical Students)", Faslnameh-e Pazhuheshe dar Nezam-haye Amoozeshi (Research in Educational Systems Journal), Issue ۲۲, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۰. Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan, Wasail al-Shi'a (The Means of the Shia), Alul Bayt, Qom: ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۱۱. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, Al-Khisal (The Characteristics), Dar al-Intisharat-e Eslami Jame'e Modaresin-e Hawzeh Elmiyeh Qom (Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom), Qom: ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۲. Karimi, Yousef, Safarinezhad, Majid, "Rawanshenasi Ejtimai wa Taghyeer Nagaresh Masraf Kunandadan Energy (Social Psychology and Changing the Attitudes of Energy Consumers)", Nashriyeh Energi-ye Iran (Iranian Energy Journal), Issue ۲۲, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۱۳. Khendan, Mohsen, Tabligh-e Eslami va Danesh-e Ertebatat-e Ejtema'i (Islamic Preaching and the Science of Social Communications), Markaz-e Chap va Nashr-e Sazman-e Tablighat-e Eslami (Center for Printing and Publications of the Islamic Preaching Organization), Tehran: ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۱۴. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Dar al-Thaqalayn, Qom: ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۱۵. Layhi, Robert, Fanoon-e Shinakhti Darmani (Techniques of Group Psychotherapy), Translated by Ladan Fati and Collaborators, Danzhe, Tehran: ۱۴۰۰ SH (۲۰۲۱ CE).
۱۶. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar (The Oceans of Lights), Islamiyyah, Qom: ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۱۷. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir-e Namuneh (The Exemplary Interpretation), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Qom: ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۱۸. Motahhari, Murtadha, Daheh Goftar (Ten Discourses), Sadra, Tehran: ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).

۱۹. Qorbanian, Mojtaba, "Mabnani Tahawwul Aqeede Insan az Manzr Quran Karim (Foundations of the Transformation of Human Belief from the Perspective of the Holy Quran)", Nashriyeh Quran, Farhang va Tamaddon (Quran, Culture, and Civilization Journal), Issue ۱, ۱۳۹۹ SH (۲۰۲۰ CE).
۲۰. Rezavani, Ali Asghar, Islam va Pasokh be Shubhat (Islam and Responses to Doubts), Masjid-e Moqaddas-e Jamkaran, Qom: ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۲۱. Sadr, Sayyid Musa, "Quran wa Shiwaye Islah Farhang (The Quran and the Method of Cultural Reform)", Nashriyeh Pazhuhashha-ye Quran-i (Quranic Research Journal), Issues ۵۴ and ۵۵, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۲۲. Safurayi, Mohammad Mehdi, "Naqsh E 'tiqadat; Binesha wa Bawarhay Dini dar Karamadi Khanwade (The Role of Beliefs; Perspectives and Religious Convictions in the Efficiency of the Family)", Ma'arif Journal, Issue ۱۶۳, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۲۳. Saif, Ali Akbar, Ravanshenasi-ye Parvarishi-ye Novin (Ravanshenasi-ye Yaddashgari va Amoozesh) (Modern Educational Psychology: Learning and Teaching Psychology), Dowran, Tehran: ۱۴۰۱ SH (۲۰۲۲ CE).
۲۴. Sajidi, Abu al-Fadl, Tarbiyat-e E'teghadi va Shakhsh-haye An (Belief-Based Education and Its Indicators), Markaz-e Barnash-haye Strategic-e Rayasat-e Jomhuri (Center for Strategic Studies of the Presidency), Tehran: ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۲۵. Shabanpour, Mohammad, Basharati, Zahra, "Rahkarhaye Akhlaqi Muqabala ba Moallafahaye Jahiliyyat dar Jawame' Modern: Ba Tikye bar Quran wa Duaye Makarim Akhlaq (Ethical Strategies to Confront Components of Ignorance in Modern Societies: Based on the Quran and the Dua of Makarim al-Akhlaq)", Pazhuhashnameh Ma'arif-e Quran-i (Quranic Sciences Research Journal), Issue ۱۵, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۲۶. Shafieabadi, Abdullah and Naseri, Gholamreza, Nazariyehaye Moshavereh va Ravandari-ye Ravan-Darmani (Counseling and Psychotherapy Theories), University Press, Tehran: ۱۴۰۱ SH (۲۰۲۲ CE).
۲۷. Tabatabai, Mohammad Hussein, Tafsir al-Mizan (The Scale in Quranic Exegesis), Raja, Tehran: ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
۲۸. Taj al-Din, Marzieh, Pazargadi, Mehrnoush, "Quran Karim wa Nehdhat Tarbiyati Parwarishi: Moallafaha wa Shikhisha Tarbiyati az Didgah Quran Karim (The Holy Quran and the Educational Movement: Components and Indicators of Education from the Perspective of the Holy Quran)", Faslnameh-e Quran-i Kowsar (Kowsar Quran Quarterly), Issue ۳۲, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲۹. Tasdiqi, Mohammad Ali, Tasdiqi, Forough, "Mawane' Tahqiq wa Farhang Pazuhesh dar Nizam Amuzesh A'li (Obstacles to Research Culture in the Higher Education System)", Faslnameh-e Muhandesi-ye Farhangi (Cultural Engineering Journal), Issue ۳۶, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۳۰. Zargarinejad, Gholamhossein, Tarikh-e Sadr-e Eslam (Asr-e Nabowat) (The History of the Early Era of Islam: The Prophetic Era), SAMT, Tehran: ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).